

یادباد آن روزگاران یادباد



با آغاز جنگ در سیویکم شهریور 57، رادیو و تلویزیون هم مانند یک فرمانده تیزبین کارشان را آغاز کردند. گزارشگران رادیو از اولین کسانی بودند که به جبهه رفتند...

جام جم آنلاین: با آغاز جنگ در سیویکم شهریور 57، رادیو و تلویزیون هم مانند یک فرمانده تیزبین کارشان را آغاز کردند. گزارشگران رادیو از اولین کسانی بودند که به جبهه رفتند و اتفاقات جنگ را لحظه به لحظه برای شنوندگان رادیو، گزارش می‌کردند. آن روزها رادیو میلیون‌ها شنونده داشت که رزمنده‌ها را نیز شامل می‌شد. دوربین‌های تلویزیون هم جنگ را از زوایای مختلف رصد می‌کردند و آنها را برای مردم به نمایش می‌گذاشت. تلویزیون، چشم جنگ بود.

در پرونده‌ای که پیش رو دارید، برخی آثار به‌یادماندنی تلویزیون بازخوانی شده است. البته گزینش این آثار دلیلی بر کم‌ارزش بودن بقیه کارهای مرتبط با جنگ نیست.

در یک دسته‌بندی ساده می‌توان نقش تلویزیون را در رابطه با دفاع مقدس در دو دوره سال‌های جنگ و سال‌های بعد از جنگ بررسی کرد. در زمانی که ایران درگیر یورش بدخواهان به آب و خاکش بود، دو شبکه تلویزیونی با ساخت برنامه‌هایی در قالب‌های مختلف سعی در روحیه دهی به مردم و رزمندگان و اطلاع‌رسانی لحظه به لحظه اتفاقات جبهه‌های نبرد داشتند.

این برنامه‌ها شامل بخش‌های گزارشی، نمایش فیلم‌های مستند، نما‌آهنگ‌ها و ترانه‌هایی بود که محتوایشان تشویق مردم به ادامه مقاومت و صبر در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی آن دوران بود. این برنامه‌ها که معمولاً لحنی حماسی داشتند در شرایط سخت و اضطراب آور ساخته شده بودند، اما در دوران پس از جنگ، هنرمندان و برنامه‌سازان تلویزیون فرصت یافته اند با دقت و سواس بیشتری حماسه هشت سال دفاع مقدس را بازتاب دهند و در جهت انتقال این فرهنگ غنی به نسل جوان گام بردارند.

پنجره شاعرانه روایت فتح به روی جنگ

در سال‌های خون و آتش برنامه تلویزیونی روایت فتح نقش خودش را در ایجاد روحیه حماسی در جامعه بخوبی ایفا کرد. روایت فتح که با نام شهید مرتضی آوینی پیوند خورده است، دوربینش را به دل جنگ برد و تصویری صریح و بی‌واسطه از تلخی‌ها و شیرینی‌های این رویداد به مردم نشان داد. این کار که در قالب مستند ساخته شده بود، سینمایی مستند ایران را وارد مسیر تازه‌ای کرد و موجب آشتی دادن تعداد زیادی از بینندگان تلویزیون با قالب مهجور و مظلوم مستند شد. روایت فتح با تکیه بر اقدامات رزمندگان ایران در عملیات مختلف شکل می‌گرفت. مجموعه اول روایت فتح با یازده برنامه متن و حاشیه عملیات بزرگ والفجر 8 را پوشش می‌داد؛ عملیاتی که در سال 64 از ساحل شرقی اروند رود و با تصرف شهر فاو در آن سوی رودخانه پایان یافت. روایت فتح شامل پنج مجموعه می‌شود که تولیدش تا سال‌های بعد از جنگ هم ادامه داشت. آنچه این برنامه را از دیگر کارهای مشابه متمایز می‌کرد، نگاه لطیف و عرفانی شهید آوینی به اتفاقات سال‌های دفاع مقدس بود. او پنجره‌ای جدید بر این حماسه گشوده بود و همه چیز را از زاویه دید خودش تحلیل و تفسیر می‌کرد. به‌عنوان مثال در گفتارهای متنی که می‌نوشت، خشونت جنگ را نادیده می‌گرفت و به‌جایش عمق مهربانی و خلوص آدم‌های درگیر در این کارزار را به بیننده نشان می‌داد. به‌عنوان مثال به این متن توجه کنید که او چگونه هم از دنیای ظالمانه دوران خودش گلایه می‌کند و هم لطافت بچه‌های جبهه را در دل کلمات می‌گنجاند. او می‌گوید: «ما از این موهبت برخوردار بودیم که انسان دیدیم. ما یافتیم آنچه را دیگران نیافتند. ما همه افق‌های معنوی انسانیت را در شهدا تجربه کردیم. ما دیدیم که چگونه کرامات انسانی در عرصه مبارزه به فعلیت می‌رسد. آنچه عرفای دلسوخته حتی بر سر دار نیافتند، ما در شب‌های عملیات آموذیم. ما فرشتگان را دیدیم. زمره جویبارهای بهشت را شنیدیم.«

دو مجموعه «شهری در آسمان« و «با من سخن بگو دوکوهه« هم برنامه‌هایی است که شهید آوینی پس از پایان جنگ ساخت و با آن یاد و خاطره رزمندگان را زنده نگه داشت. ابراهیم کیهانی، یکی از تهیه‌کنندگان روایت فتح در گفت‌وگو با جام‌جم درباره جزئیات کار این گروه می‌گوید: حدود 50 نفر جزو گروه روایت فتح بودند که هشت نفرشان فیلمبرداری می‌کردند. شهید علی طالبی از جمله فیلمبردارانی بود که در عملیات طریق‌القدس به شهادت رسید. اسم روایت فتح را از روی یکی از آلبوم‌های موسیقی داخل آرشیو سازمان انتخاب کردیم. همان زمان نوحه‌ای از آهنگران را روی تصاویر جنگ تدوین کردم که حاصلش تیتراژ روایت فتح شد. آن زمان در کنار گروه روایت فتح، گروه خبر، گروه شهرستان‌ها، گروه سپاه و... گزارش‌های جنگی تهیه می‌کردند.

این تهیه‌کننده درباره بازخوردهای پخش روایت فتح توضیح می‌دهد: خیلی‌ها منتظر بودند این برنامه شروع شود. این برنامه در

تقویت روحیه رزمندگان موثر بود. زمانی که قرار بود در نقطه‌ای از کشور اعزام نیرو صورت بگیرد، پخش روایت فتح نفرات این اعزام را بیشتر می‌کرد. نیروهای ما در شهرهای کوچک از مراسم اعزام نیرو تصویربرداری می‌کردند و در اعزام‌های بعدی همان تصاویر را نشان می‌دادند.

کیهانی گزارش‌های مردمی برنامه روایت فتح را یکی از تاثیرگذارترین بخش‌هایش می‌داند و توضیح می‌دهد: تصویری از یک پیرزن ضبط کرده بودیم که کیسه‌ای بادام برای رزمندگان آورده بود. او گوشه بادام‌ها را گاز زده بود که تلخ نباشد. او دو عامل را در موفقیت برنامه روایت فتح تاثیرگذار می‌داند و می‌گوید: بچه‌های این گروه خالصانه کار می‌کردند. شما در هیچ تصویری متوجه حضور دوربین نمی‌شوید، چون بچه‌ها از چند روز قبل به منطقه می‌رفتند و با رزمندگان زندگی می‌کردند. گفتارهای متن مرتضی آوینی هم فوق‌العاده بود. قلم مرتضی قابل توصیف نیست. او بشدت خودش بود و ادای کسی را در نمی‌آورد. این تهیه‌کننده پس از پایان جنگ نیز کار برنامه سازی برای دفاع مقدس را ادامه داده است. او که خاطراتی زیادی از این برنامه‌ها دارد می‌گوید: چند وقت پیش برنامه‌ای به نام «#171 یاد باد آن روزگاران یاد باد» را پخش کردیم که اتفاق عجیب و غریبی افتاد. خانمی 27 ساله به من زنگ زد و گفت: من دیشب پدرم را در تلویزیون دیدم. زمانی که مادرم مرا باردار بود، پدرم شهید شد و من هیچ‌گاه او را ندیدم، اما در برنامه شما تصاویر مصاحبه‌اش را دیدم و الان احساس بسیار خوبی دارم.

تاثیرگذاری بین‌المللی گزارش‌های تلویزیونی

در روزهای جنگ مردم تشنه دیدن جدیدترین تصاویر و اخبار جبهه‌های نبرد بودند. تلویزیون به عنوان یک رسانه فراگیر با فرستادن بهترین خبرنگاران و گزارشگرانش سعی داشت مردم را در جریان آخرین اتفاقات رخداده قرار دهد.

شهید رهبر، شهید حسن‌هادی، شهید حسین سیداحمدی، نورالدین سبحانی، خامنه، مرتضی طلابی، بهروز گودرزی و حسن سلطانی از جمله خبرنگارانی بودند که آن روزها با اخبار جنگی دست و پنجه نرم می‌کردند.

حمل دوربین‌های قدیمی که هرکدامشان حدود 15 کیلو وزن داشتند از دشواری‌های کار تصویربرداران جنگی بود. ضمن این که این افراد چون به خط مقدم نزدیک می‌شدند، باید اصول رزم و کار با اسلحه را هم یاد می‌گرفتند.

گزارش‌های این خبرنگاران علاوه بر این که روحیه دفاع و مقاومت را در رزمندگان و مردم بالا می‌برد، تاثیرگذاری بین‌المللی هم داشت. به‌عنوان مثال می‌توان به گزارشی اشاره کرد که فتح رود دجله توسط رزمندگان ایرانی را نشان می‌داد. در آن زمان صدام این خبر را تکذیب کرده بود و زمانی که تلویزیون ایران تصاویر مستند فتح دجله را نشان داد، خبر موفقیت دلاورمردان ایران جهانی شد و خشم و عصبانیت صدام به اوج رسید.

نوروز در جبهه، جریان زندگی در جبهه‌ها

در سال‌های بعد از جنگ نیز برنامه‌سازان تلویزیونی به بازخوانی آنچه اتفاق افتاده است، پرداختند. از آسمان یکی از برنامه‌های موفق شبکه 2 است که هر هفته حماسه‌آفرینی غیورمردان ایران زمین در هشت سال دفاع مقدس را به تصویر می‌کشد. این برنامه سال 78 با عنوانی دیگر روی آنتن رفت و از سال 83 عنوان مشخص از آسمان را برگزید. این برنامه به بررسی زندگی فعالیت‌های جانبازان، ایثارگران و آزادگان اقصی نقاط کشور می‌پردازد که پراز خاطره روزهای پر التهاب دفاع از سرزمین مادری است.

نوروز در جبهه عنوان برنامه‌ای بود که گروه تلویزیونی سپاه تهیه کرد. این فیلم مستند نشان می‌داد که رزمندگان چگونه ایام نوروز را جشن می‌گیرند. آنها به دیدن سادات می‌رفتند و شیرینی و شربت پخش می‌کردند. یکی از رزمنده‌ها، برنامه‌های طنز اجرا می‌کرد و بقیه هم هر کاری از دستشان برمی‌آمد برای شاد کردن رزمندگان انجام می‌دادند.

این تهیه‌کننده درباره نحوه ثبت و ضبط تصاویر در آن زمان توضیح می‌دهد: آن زمان من به عنوان مسئول تبلیغات یکی از گردان‌ها از همه بچه‌هایی که به عملیات می‌رفتند تصویربرداری می‌کردم. آنها خودشان را معرفی می‌کردند و از حس و حالشان می‌گفتند. بعدها از تصاویر رزمندگان شهید مجموعه‌ای تهیه کردیم و آن را به خانواده‌هایشان دادیم. «#171ره یافتگان وصال»؛ نیز برنامه‌ای بود که در گروه شاهد شبکه یک تهیه و سال 72 پخش شد. «#171وصال نیکان»؛ را نیز برای شبکه 2 تهیه کردم.

او ادامه می‌دهد: در عملیات کربلای 5 من در سنگر بودم که یک لحظه یکی از رزمندگان از سنگر بیرون آمد و شهید شد. همان‌جا دوربین تلویزیون از من فیلمبرداری کرد و من توضیح دادم که شهادت این رزمنده به چه صورت اتفاق افتاد. این تصاویر گنجینه‌های امروز است که باید قدرشان را دانست. آن زمان مثل الان نبود که هر کسی یک دوربین داشته باشد. تصاویر دوربین سوپر هشت را باید به آلمان می‌فرستادم تا تبدیل شود.

هر چه به پایان دهه هشتاد نزدیک‌تر می‌شویم بر کمیت کارهای دفاع مقدس تلویزیون اضافه می‌شود و فیلمنامه‌نویسان روی طیف متنوع‌تری از داستان‌های مربوط به جنگ کار می‌کنند. بیشتر سریال‌های دهه 70 به موضوع حضور رزمندگان ایرانی در جبهه‌های جنگ مربوط می‌شود، اما در چند سال اخیر با سریال‌هایی مواجه بوده‌ایم که با لحنی طنز به جنگ پرداخته‌اند (بیدار باش، نابرده رنج) یا این که وضع مردم شهر در زمان جنگ (وضعیت سفید) را به تصویر کشیده‌اند. تهیه سریال‌های جنگی و اجتماعی (همچون سرو) و زندگینامه (شوق پرواز) از دیگر فعالیت‌های کارگردان‌های دفاع مقدس در چند سال اخیر بوده است. برخی سریال‌ها نیز چون «در چشم باد؛ مقطعی از تاریخ معاصر را بازتاب داده‌اند و در نهایت کار را با نمایش افتخارآفرینی رزمندگان ایرانی در ماجرای فتح خرمشهر به پایان رسانده‌اند.

سریال «گل پامچال؛ که سال 70 روانه آنتن شبکه یک شد، نقطه آغازی برای ساخت کارهای جنگی پرمخاطب بود. سریالی که کارگردانش، محمدعلی طالبی هدف از ساخت آن را نمایش مظلومیت بچه‌ها در جنگ عنوان کرده بود.

فیلم سینمایی «هویت؛ جزو اولین آثار تولید شده تلویزیون سال 64 بود که نیم‌نگاهی هم به دفاع مقدس داشت. این فیلم به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا داستان فردی به نام ناصر پویان را روایت می‌کند که به‌صورت اتفاقی با تعدادی از مجروحان، پرستاران و دکترهای جنگ همراه شده بود. ناصر که نسبتی با جنگ و جبهه ندارد، با آمبولانس مجروحان جنگی به بیمارستان منتقل می‌شود و... این داستان خطی به حاتمی‌کیا فرصت داد که بخشی از دغدغه‌هایش را درباره آدم‌های درگیر جنگ بیان کند. فیلم هویت به سفارش شبکه دو سیما ساخته شد.

حضور قهرمانان شوخ طبع در سریال‌های جنگی

حضور کارگردان‌های موفق سینما در تلویزیون با ساخت فیلم - مجموعه «سفر به چزابه؛ توسط زنده یاد رسول ملاقلی‌پور ادامه یافت. سریال داستان گروهی گردشگر بود که به مناطق جنگی می‌روند و هر یک از آنها از زمان جنگ داستانی در ذهن دارند.

کمال تبریزی سومین کارگردانی بود که دست به تولید یک فیلم مجموعه با عنوان «لیلی با من است؛ زد. این اثر، سینمای دفاع مقدس را تحت‌تاثیر قرار داد و راه را برای ساخت فیلم‌های جنگی با لحن طنز و کمدی باز کرد. در تلویزیون هم کارگردان‌های زیادی بخت خود را در این حوزه آزمودند. بهترین تابستان من (1372)، خوش رکاب (1382)، نابرده رنج (1390) و بیدار باش (1391) جزو سریال‌هایی بودند که قهرمانانی شوخ طبع و بامزه را در دل داستان‌های جنگی گنجاندند. در سریال بهترین تابستان من که نخستین نقش‌آفرینی علی صادقی در تلویزیون محسوب می‌شود تجربه خاطره‌انگیز یک نوجوان از حضور در جبهه را نشان می‌داد. سعید نوجوانی یزیدی بود که آرزوهایش را در خط مقدم جبهه می‌دید، او بالاخره پس از ماجراهای زیادی خانواده خود را راضی می‌کرد تا در جبهه حاضر شود. رفتن پنهانی سعید به خط مقدم اتفاقات طنز و شیرینی را برایش رقم می‌زد. در سریال خوش رکاب که به سری دوم هم رسید، فیلمنامه‌نویس از ساختار جاده‌ای بهره گرفت و ماجرای رساندن یک کامیون حاوی دارو به مناطق جنگ زده را دستمایه کار قرار داد.

در سریال نابرده رنج با دو آدم معمولی مواجه بودیم که بطور کاملاً اتفاقی و ناخواسته به جبهه‌های جنگ پرتاب می‌شدند و واکنش‌هایشان لحنی کمیک به سریال می‌بخشید. اسد و عماد دو جوانی بودند که در جستجوی جنگ به سمت مناطق جنگی حرکت می‌کردند و در نهایت به دست عراقی‌ها اسیر می‌شدند. سریال «بیدار باش؛ نیز با محوریت الگوی حضور ناخواسته یک فرد لمپن در جبهه‌های جنگ، یک «طنز دفاع مقدسی؛ را شکل داد.

تلویزیون در سال‌های پس از جنگ هیچگاه ارتباطش را با مضمون دفاع مقدس قطع نکرده است. همواره یک یا چند سریال دفاع مقدسی در حال ساخت یا پخش است و در قالب‌های دیگر مثل مستند، گفت‌وگو محور و ترکیبی نیز برنامه‌هایی تولید می‌شود. برخی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی مثل شبکه یک سیما و رادیو ایران نیز گروه‌هایی با عنوان حماسه و دفاع تشکیل داده‌اند که مسئولیت اصلی‌اش برنامه‌سازی با موضوع جنگ و دفاع مقدس است. در حال حاضر سریال «بیدار باش؛ و «برنامه‌ای از آسمان؛ مجموعه «زنده باد زندگی؛ و «زنده باد زندگی؛ از جمله کارهای در حال پخش دفاع مقدسی است. ضمن این که مستند آخرین روزهای زمستان «زندگی شهید حسن باقری؛ و سریال «راستش را بگو؛ جزو کارهایی است که بزودی روانه آنتن پخش می‌شود.